



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در امر سابع یعنی قیمی بود ، عرض کردیم در اینجا سه نظریه وجود دارد ؛ اول نظر شیخ اعظم انصاری (ره) بود که فرمودند در قیمی اصل بر این است که ضمان فقط به قیمت است و دلیل ما اخبار می باشد .

دوم آیت الله خوئی فرمودند در قیمی نیز اصل بر این است که مثل مورد ضمانت می باشد مگر اینکه مثل متعذر شود که در این صورت باید قیمت پرداخت شود .

سوم حضرت امام (ره) فرمودند شکی نیست که در مثلی ضمان به مثل است ولی در قیمی ارفاقاً ضمان به قیمت است نه قهراً و الزاماً ، یعنی مالک هر کدام از قیمت و مثل را اختیاراً می تواند مطالبه کند و ضامن نیز می تواند هر کدام از قیمت و یا مثل را اختیاراً بپردازد .

خوب و اما همانطور که عرض کردیم امام (ره) بعد از ذکر نظرشان به سراغ روایات رفتند که تعدادی از آنها را خواندیم .

اما اخباری که امروز می خوانیم و از آنها استفاده می شود که قیمت میزان است ، در باب ۱۴ از

ابواب موجبات ضمان ، در ص ۱۸۶ از جلد ۱۹ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده اند ، خبر اول از این باب ۱۴ این خبر است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سُئِلَ عَنْ بُخْتِيٍّ اغْتَلَمَ فَخَرَجَ مِنَ الدَّارِ فَقَتَلَ رَجُلًا - فَجَاءَ أَخُو الرَّجُلِ فَضْرَبَ الْفَحْلَ بِالسَّيْفِ - فَقَالَ صَاحِبُ الْبُخْتِيِّ ضَامِنٌ لِلدِّيَةِ - وَ يَفْتَصُّ ثَمَنَ بُخْتِيَّهِ الْحَدِيثَ . وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ . وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَادٍ مِثْلَهُ » . سند در اعلى درجه صحت قرار دارد (بختی : شتری که از جهت شهوت در هیجان است) و شاهد بر سر این است که حضرت فرموده صاحب بختی قیمت بختی را از کسی که او را کشته باید بگیرد .

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب ۱۴ می باشد ، خبر این است : « عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أُخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ بُخْتِيٍّ مُغْتَلَمٍ قَتَلَ رَجُلًا - فَقَامَ أَخُو الْمَقْتُولِ فَعَقَرَ الْبُخْتِيَّ وَ قَتَلَهُ مَا حَالُهُ - قَالَ عَلِيُّ صَاحِبِ الْبُخْتِيِّ دِيَةَ الْمَقْتُولِ - وَ لِصَاحِبِ الْبُخْتِيِّ ثَمَنُهُ عَلَى الَّذِي عَقَرَ بُخْتِيَّهِ » . تقریباً همان قصه روایت اول است منتهی از امام کاظم (ع) نقل شده و مثل خبر اول

دلالت دارد بر اینکه صاحب بختی باید قیمتتس را از کسی که او را کشته بگیرد .

(خوب و اما سؤال شده بود که تفاوت بین بناء عقلاء و کل فرد فرد چیست؟ عرض می کنیم که بناء عقلاء مربوط است به مشیی که عقلاء در زندگی دارند و بنائی که در امور اعتباری و یا حقیقی برای انجام کاری می گذارند و این یک دلیل لبی می باشد مثلاً بناء عقلاء بر این است که کاغذی را به عنوان اسکناس چاپ می کنند و همین باعث اعتبار و ارزش آن کاغذ می شود و کار طلا و نقره را انجام می دهد ، اما کل فرد فرد در جائی است که لفظی به صورت عام استغراقی در کار باشد و شمول بر تمام افراد داشته باشد مثل اکرم العلماء ، البته می دانید که عام سه جور است : عام استغراقی که حکم برای کل فرد فرد است ، عام مجموعی که حکم برای جمع و کل می باشد ، عام بدلی که نکره است و عموم در آن بدلی می باشد ، علی ای حال فرق بناء و کل فرد فرد معلوم شد) .

خبر بعدی خبر ۱ از باب ۴۱ از ابواب موجبات ضمان می باشد که در ص ۲۱۰ از جلد ۱۹ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ

النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ قَضَى فِي رَجُلٍ أَقْبَلَ بِنَارٍ فَأَشْعَلَهَا فِي دَارِ قَوْمٍ - فَأَحْتَرَقَتْ وَاحْتَرَقَ مَتَاعُهُمْ - قَالَ يُغْرَمُ قِيمَةُ الدَّارِ وَمَا فِيهَا ثُمَّ يُقْتَلُ . وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ السَّكُونِيِّ » . شاهد ما بر سر این است که در خبر گفته شده آن شخص باید قیمت دار و مافیها را بدهد با اینکه ممکن است در دار مثلی نیز وجود داشته باشد .

خوب و اما روایات کثیری نیز در این رابطه داریم که اگر عبدی بین چند نفر مشترک باشد و یک نفر از آنها سهم خودش را آزاد کند عبد کلاً آزاد می شود منتهی آن شخصی که سهمش را آزاد کرده ضامن قیمت سهم شرکاء خودش می باشد و باید قیمت سهم شرکاء خودش از آن عبد را به آنها بپردازد ، که از این روایات نیز استفاده می شود در قیمیات قیمت میزان است .

اخبار کثیره ی مذکور در ص ۲۲ از جلد ۱۶ وسائل ۲۰ جلدی در باب ۱۸ از کتاب عتق ذکر شده اند ، عنوان باب ۱۸ این است : « بَابُ أَنْ مَنْ أَعْتَقَ مَمْلُوكًا لَهُ فِيهِ شَرِيكٌ كُفِّفَ أَنْ يَشْتَرِيَ بَاقِيَهُ وَيُعْتَقَهُ إِنْ كَانَ مُوسِرًا أَوْ مُضَارًّا وَإِلَّا اسْتُسْعِيَ الْعَبْدُ فِي بَاقِي قِيَمَتِهِ وَيَنْعَتِقُ وَإِنْ لَمْ يَسْعَ خَدَمَ بِالْحِصَصِ » .

. همانطور که می بینید در این خبر نیز صحبت بر سر این است که شخص ضامن قیمت می باشد .
خوب و اما در خبر ۶ و ۹ از همین باب ۱۸ نیز همین مطلب ذکر شده و کلاً این اخبار دلالت دارند بر اینکه اگر عبدی بین چند نفر مشترک باشد و یک نفر از آنها سهم خودش را آزاد کند عبد آزاد می شود منتهی این شخص ضامن قیمت سهم شرکاء خودش می باشد .

حضرت امام (ره) بعد از ذکر این اخبار به صحیحہ ابی ولّاد نیز اشاره کرده اند که در باب ۱۷ از ابواب اجاره ذکر شده است که ما بعداً آن را خواهیم خواند همچنین امام (ره) می فرماید محمداً باقر مجلسی در ص ۳۰۲ از جلد ۱۹ مرآة العقول که شرح بر کافی است مطالبی را در مورد صحیحہ ابی ولّاد نوشته که آن را نیز باید مطالعه کنید . بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد وآله الطاهیرین

خوب و اما خبر ۵ از این باب ۱۸ این خبر است :
« وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا (عَلِيٌّ بِنُ إِبْرَاهِيمَ وَ مُحَمَّدِ بِنِ جَعْفَرٍ وَ مُحَمَّدِ بِنِ يَحْيَى وَ عَلِيٌّ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ وَ أَحْمَدُ بِنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلِيُّ بِنِ الْحَسَنِ جَمِيعاً) عَنْ أَحْمَدَ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بِنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ : سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَمْلُوكِ بَيْنَ شُرَكَاءَ فَيُعْتَقُ أَحَدَهُمْ نَصِيْبَهُ - فَقَالَ هَذَا فَسَادٌ عَلَى أَصْحَابِهِ يُقَوِّمُ قِيْمَةً - وَ يَضْمَنُ الثَّمَنَ الَّذِي أَعْتَقَهُ لِأَنَّهُ أَفْسَدَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ . وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بِنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ » .
سماعة بن مهران خودش خوب است ولی نوعاً اخباری که نقل کرده مضمرة می باشد البته مضمراتش نیز اعتبار دارد ، همانطور که می بینید در این خبر نیز گفته شده : « يُقَوِّمُ قِيْمَةً وَ يَضْمَنُ الثَّمَنَ الَّذِي أَعْتَقَهُ » که شاهد ما بر سر همین جمله می باشد .

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب ۱۸ می باشد ،
خبر این است : « : وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ : قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي عَبْدٍ كَانَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ - فَحَرَّرَ أَحَدُهُمَا نِصْفَهُ وَ هُوَ صَغِيرٌ - وَ أَمْسَكَ الْآخَرَ نِصْفَهُ حَتَّى كَبِرَ الَّذِي حَرَّرَ نِصْفَهُ - قَالَ يُقَوِّمُ قِيْمَةَ يَوْمَ حَرَّرَ الْأَوَّلُ - وَ أَمْرَ الْأَوَّلِ أَنْ يَسْعَى فِي نِصْفِهِ الَّذِي لَمْ يُحَرَّرْ حَتَّى يَقْضِيَهُ . وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بِنِ قَيْسٍ نَحْوَهُ »